

امام زمان علیه السلام، شرح دعای ندبه

تاریخ پخش: ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۷۳ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

۱- کارهایی که امام زمان علیه السلام انجام می دهد:

در محضر مبارک دانشجویان عزیز در پادگان هستیم. چون در آستانه نیمه شعبان هستیم می خواهیم یک مقداری راجع به حضرت مهدی علیه السلام صحبت کنیم. یکی از برکات نظام جمهوری اسلامی این است که دعای حضرت مهدی باب شده است و خیلی از جاها می خوانند. یعنی فرهنگ ما شده است.

امام زمان علیه السلام می تواند حکومت کند یا نه؟ امام باید چهار تا کار کند. یکی محو طاغوتها است. دوم مسئولیت دادن به متقین است. سوم اجرای قانون قرآن است. اگر کسی در استخر شنا کرد در اقیانوس هم می تواند شنا کند. شاگردش بنیانگذار جمهوری اسلامی طاغوت را محو کرد. اگر امام طاغوت را محو کرد، مهدی هم طاغوتها را محو می کند. اگر امام آمد به متقین مسئولیت داد او هم می تواند این کار را بکند. اگر امام آمد قانون قرآن را روی کار آورد او هم می تواند این کار را بکند. بنابراین انقلاب ما می تواند نمودار آن انقلاب باشد.

چطور می شود که یک نفر هزار و دویست سال عمر کند و پیر نشود؟ موی ابرو هشتاد سال ثابت می ماند. ولی یک موی سر دائماً در حال تغییر است. خدایی که می تواند در یک پوست و یک گوشت یک مو را ثابت نگه دارد و یک مو را متغییر قرار دهد، همان خدا می تواند یک انسان را ثابت نگه دارد و باقی انسانها را از بین ببرد.

۲- نزول فرشتهها بر امام زمان علیه السلام:

مسئله دیگر این است که با این پیشرفت های علمی چه می کند؟ روایت داریم امام که می آید همه با تخصص شان می آیند و ایمان می آورند. دسته دسته می آیند. خودشان و مغزشان و تخصص شان را در اختیار او قرار می دهند. مثل وقتی که امام آمد. همان افرادی که می گفتند: جاوید شاه و طرفدار شاه بودند. خودشان آمدند و تخصص شان را در اختیار امام گذاشتند. بنابراین مسئله مشکل نیست. رابطه ما با امام دعا است. امام هر هفته یکی دو بار کارهای ما را می بیند. امام باقر علیه السلام فرمود: قرآن می فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّرٍ» (قدر/ ۴) شب قدر همه ملائکه وارد زمین می شوند. فرشتهها زمان پیغمبر بر پیغمبر نازل

می شدند و مهمان او بودند. الان هم بر بیابانها که نازل نمی شوند. باید بر آدمی وارد شوند که تمام خصلت‌ها و اخلاق پیغمبر را داشته باشد. تا لیاقت میزبانی فرشته‌ها را داشته باشد. ما از امام زمان علیه السلام استفاده می کنیم. همانطوری که از خورشید پشت ابر استفاده می کنیم. پشت ابر هست اما از نور و از حرارت او استفاده می کنیم. چرا او را نمی بینیم؟ خداوند یازده تا لامپ وصل کرد. مردم زدند و همه را شکاندند. فرمود: من لامپ دوازدهمی را وصل نمی کنم تا آدم شوید.

### ۳- دعای ندبه:

دعایی به نام دعای ندبه داریم. ندبه به معنی گریه است. حالا چرا گریه کنیم؟ به خاطر اینکه هر کسی را که دوست داریم، دنبالش می رویم و گریه می کنیم. حالا هرکس گریه نمی کند چون هرکسی سوزش و شورش بمقدار شعورش است. هر چیزی بلوغ می خواهد. به پسر ده ساله بگویی: شهوت چیست؟ همینطور نگاهت می کند. هزار تا عروس را با یک آلاسکا عوض می کند. چون هنوز بالغ نشده است. ما نسبت به مهدی بالغ نشده ایم. امام سجاد علیه السلام وقتی به مکه می رود، هشتاد فرسخ پیاده می رود. چون می داند که مکه چیست. اگر بگویند: پرواز یک ساعت تأخیر دارد، معلوم نیست برویم یا نه؟ نماز بلوغ می خواهد. یک نفر می بینی نماز می خواند و از نماز لذت می برد. یک نفر را هم می بینی که می گوید: ما که نماز خواندیم و از نماز راحت شدیم. یعنی گیر افتاده بودیم. دعای ندبه گریه دارد. چون کسی یاد این می افتد که خدایا چه می خواست بشود. چرا چنین شد؟ در این دعا خاطرات و فرازهایی است. اول دعا ستایش خداست. «فَبَعْضُ أَسْكَتِهِ جَنَّتْكَ إِلَيَّ أَنْ أُخْرِجْتَهُ مِنْهَا» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴) حضرت آدم وارد بهشت شد و بیرون آمد. خط نبوت از اینجا شروع می شود. «وَبَعْضُهُمْ حَمَلَتْهُ فِي فُلْكَ وَ نَجَّيْتَهُ مَعَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴)

### ۴- مقام انبیاء علیهم السلام:

بعد از آدم نوح بود که نهصد و پنجاه سال تبلیغ کرد. بیش از ده دوازده هزار نفر بیشتر ایمان نیاوردند و این هم ناراحت شد. خدا به زمین دستور داد، هرچه آب در دل خودش دارد را بیرون بریزد. همه کفار غرق شدند. منتهی قبل از غرق شدن مومنین سوار شدند و نجات پیدا کردند. «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء/۱۲۵).

بعد از نوح هم ابراهیم آمد که حضرت ابراهیم هم در جاتی گرفت. اول عبد صالح خدا بود. مقامش بالاتر رفت. نبی الله شد. رسول الله شد. بعد هم خلیل الله شد. هر امتحانی که قبول می شد یک درجه می گرفت. یعنی پست ها را الکی به کسی نمی دهند.

بعد حضرت موسی و عیسی آمدند و بالاخره می گوید: خدایا تو در طول تاریخ هیچ وقت انسان را بدون رهبر نگذاشتی. «لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا» (طه / ۱۳۴) فلسفه نبوت این است. خداوند برای تمام هستی یک خط قرار داده است و همه هم در داخل آن دچار شک و اشتباه نمی شوند. فقط انسان این وسط گیج است. می گوید: انبیاء را فرستادی که از گیجی بیرون بیایند. رسول فرستاد تا کسی نگوید: چرا برای ما راهنما نفرستادی؟ انبیاء آمدند تا چراغ بزنند و بگویند: از آنطرف برو. پلیس وقتی می تواند شما را جریمه کند که ورود ممنوع باشد. شما می گویی: آقا بنده تابلویی ندیدم. اگر تابلو بود حق جریمه دارد. «إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدًا» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴)

#### ۵- مقام رسول اکرم ﷺ و حضرت علی عليه السلام:

خط انبیاء آمد تا اینکه به پیغمبر رسید. ایشان هم بیست و سه سال زجرها کشید. جنگها کرد. به جان او سوء قصدها کردند که نتیجه نگرفتند. بودجه ها خرج کردند، نشد. همه رقم زجر دادند. از سنگباران تا شکستن دندان همه رقم بسیج شدند تا پیغمبر را محو کنند. ولی خدایا تو خواستی که او بماند. اشرف مخلوقات در غار رفت. تار عنکبوت او را حفظ کرد. خدا اگر بخواهد همه توطئه گرها بسیج می شوند ولی خدا اشرف مخلوقات را با تار عنکبوت حفظ می کند. نزدیک آخر عمر که شد دست امام علی عليه السلام را گرفت و فرمود: هر کس من مولای او هستم چند روز دیگر که من می روم علی مولای اوست. هر کس که من پیغمبر او هستم، علی باید امام او باشد و این نصب هم بخاطر خداوند است. «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره / ۱۲۴) نصب امامت برای خداست. «وَقَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) من و علی از یک درخت هستیم. یعنی فکر او فکر من، قلب او قلب من، روح او روح من است. وقتی می خواستند به کفار نفرین کنند. پیغمبر فرمود: نفس من است. جان من است. «وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) همینطور که موسی به کوه طور رفت و هارون را جای خودش گذاشت. بنده هم که در جنگ تبوک می روم تو را جای خودم می گذارم. «وَ رَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) دخترش را به امام علی داد.

#### ۶- منزلت امام علی عليه السلام:

روی کره زمین تنها زن و شوهری که معصوم هستند این دو بزرگوار هستند. روی کره زمین یا مرد معصوم است یا زن معصوم است. مثل خود پیغمبر که خدیجه معصوم نیست. بعضی جاها زن معصوم است. مثل حضرت مریم که معصوم است. مردم دور مسجد آمده بودند. درهایی رو به مسجد از خانه آنها باز می شد. به فرمان خدا که فرمود: همه درها را ببندید فقط در خانه علی باز باشد و اینها همه به فرمان خدا بود. «فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) من شهر علم هستم و علی دروازه علم است. بعد گفتند: زشت است که علی در خانه علم باشد. آمدند به چند تا آخوند درباری پول دادند. دو سه تا حدیث دروغی بافتند. گفتند: حالا که علی در آن است فلانی هم سقف آن است. «وفلان سقفها» بعد گفتند: «علی بابها» یعنی درش بزرگ است. علی را به بزرگ معنا کردند.

ابی ابن الحدید می گوید: از عظمت علی همین بس که هر چه خواستند نتوانستند خوبی هایش را بگویند و هر چه هم بدی اش را گفتند باز نتوانستند چهره درخشان او را خدشه دار کنند. بعد فرمود: علی جان تو باید گناهکاران را نجات بدهی. بعد فرمود: طرفداران خالص تو هستند که رو سفید هستند. چه جنگهایی کرد و دماغ چه قهرمانانی را به خاک مالید. چرا با امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دعوا کردند و زیر بار او نرفتند؟ «أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَ خَيْرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) به خاطر اینکه از حضرت علی کینه داشتند. از جنگ خیبر کینه او را در دل داشتند. پدر خیلی ها را در جنگ خیبر کشته بود. در جنگ حنین خیلی از کفار را کشته بود. بچه هایشان که مسلمان شدند علی را که می دیدند می گفتند: این قاتل پدر ما است. ولذا روز عاشورا به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ که فرموده بود: گناه من چیست؟ گفتند: با تو رفیق هستیم. بغض پدرت علی را در دل داریم. «حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) با سه فرقه جنگید. «ناکثین» طلحه و زبیر هستند که بیعت کردند ولی زیر قولشان زدند. «قاسطین» جنگ صفین است. «مارقین» جنگ نهر روان است. در جنگ خوارج امام حال همه را گرفت. در جنگ خوارج در یک روز هشت هزار نفر را به درک فرستاد. یتیم می دید زار زار گریه می کرد. بزرگ می دید دماغش را به خاک می مالید. هر کسی می خواهد بداند علی کیست؟ جاذبه و دافعه شهید مطهری را بخواند. ماجرا به اینجا کشید که چهار سال بیشتر نتوانست حکومت کند تا اینکه به دست ابن ملجم شهید شد. آنوقت کوبیدن ها شروع شد. تا اینکه «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) هر کسی را توانستند بکشند، کشتن «وَ سُبِي مَنْ سُبِيَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) هر کسی را توانستند فحش دادند، تهمت زدند. «وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) هر کس هم از دودمان پیغمبر هم توانست فرار کند، فرار کرد. اینکه در روستاهای ما امامزاده ها هستند. همه اینها دودمان پیغمبر بودند که از شر

بنی امیه و بنی عباس به روستاهای ایران پناه آوردند. خلاصه یک کودتایی علیه اسلام شد که برای قیچی کردن اهل بیت بود.

«فَلْيَكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) مردم بیایید جمع شوید و با هم گریه کنید. گریه یک فرهنگ است. گریه چیزی است که شیعه دارد. گریه رابطه عاطفی است. گریه یعنی ما فراموش نمی‌کنیم. گریه یعنی مظلوم‌ها خون شما هدر نرفته است. «أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) بیایید گریه کنیم که چطور خط کور شد؟ ما باید رهبرمان علی باشد. چطور شد که امام حسن و امام حسین علیهما السلام تار و مار شدند؟ چطور بچه‌های امام حسین علیه السلام را شهید کردند؟ حتی نوه امام سجاد علیه السلام را هم شهید کردند. مردم ایران آنوقت از بس خوب بودند زنهاشان گفتند: هرکس بچه‌ای زاید به کوری چشم دشمنان اسمش را یحیی می‌گذاریم. تا نام یحیی محو نشود. «أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) بقیة الله یعنی ذخیره خدا! اسم امام زمان علیه السلام است. کسی که منتظر مصلح است. خودش باید صالح باشد. کسی که منتظر مهمان است باید خانه را جارو کرده باشد. معنای انتظار معنای احتزار نیست. انتظار این است که می‌گوییم: بنشینم که امام زمان علیه السلام بیاید و آنرا درست می‌کند. مرحوم راشد مثالی می‌زد. می‌گفت: ما زمستان منتظر گرما هستیم. اما نمی‌نشینیم یخ کنیم. منتظر هستیم ولی آتش روشن می‌کنیم. پس انتظار گرما این نیست که یخ کنیم.

#### ۷- یاران راستین امام زمان علیه السلام:

تمام کسانی که می‌گویند: ای امام زمان علیه السلام تشریف بیاور ولی بچه‌هایشان را به جبهه نفرستادند و ترسیدند، اینها با احتیاط بگویند: امام زمان علیه السلام بیا. برای اینکه امام زمان علیه السلام که بیاید خواهد گفت: تو در فلان کشور برو! حال فلانی را بگیر و برگرد. شما که دشمن در خانه‌ات آمد زیر لحاف رفتی و پنهان شدی، تو می‌خواهی یار امام زمان علیه السلام باشی؟ ترسوها یار امام زمان علیه السلام نیستند. چیزی را که می‌خواهید بدوزید نخ سفت می‌خواهید. با این نخ‌های وا رفته نمی‌شود. کسانی که دو لیتر برای امام زمان علیه السلام گریه می‌کنند ولی حاضر نیستند که یک سیلی برای امام زمان علیه السلام بخورند، اینها یار امام زمان علیه السلام نیستند. ما آدم داریم که ختم شهید نرفت. چه جانورهایی در ایران است! او رفته جانش را فدای راحتی تو کرده است. آنوقت تو اهمیت نمی‌دهی؟ «أَيْنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) امام زمان علیه السلام کجایی؟ تو آماده شده‌ای که ریشه ظلم را قطع کنی؟ «أَيْنَ الْمُتَنْظِرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) امام زمان علیه السلام می‌آید کجی‌ها را صاف می‌کند. «أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) مهدی

می‌آید و واجبات و مستحبات فراموش شده را احیاء می‌کند. «أَيُّنَ الْمُتَّخِرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) عزت از دست رفته امت را بر می‌گرداند. «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/ ۶۰) شما باید دشمن خدا را بترسانید. الآن مسلمانها به جای اینکه دشمن خدا را بترسانند از دشمن خدا می‌ترسند. می‌گویند: امام زمان علیه السلام می‌آید و آن عزتی که از دست ما رفته است را به ما برمی‌گرداند. «أَيُّنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشُّرْكَ وَ النَّفَاقِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) امام زمان علیه السلام بیا و تمام ساختمانهای شرک و نفاق را نابود کن. بنیان آنها را می‌کند. از این معلوم می‌شود که خراب کردن هم گاهی اشکال ندارد. چون گاهی وقتها می‌گویند: این آثار باستانی است. گفتند: قبر رضا شاه را خراب نکنید که موزه باشد. کتابخانه باشد. امام فرمود: نه باید خراب کنید.

آن زمان آیت الله خلیجی شجاعت خوبی داشت. سامری یک مجسمه ساز هنرمند شد. با طلا مجسمه ساخت و آن را طوری درست کرد که وقتی باد به آن می‌خورد صدایی از آن در می‌آمد و مردم دور گوساله می‌ریختند. حضرت موسی علیه السلام فرمود: «لَنُحَرِّقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهٗ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/ ۹۷) طلاها را می‌سوزانم و خاکسترش را هم به دریا می‌ریزم. این اسراف نیست. طلایی که گوساله بشود و مانع راه خدا بشود، باید خاکسترش را در دریا بریزند.

حدیث داریم امام زمان علیه السلام که بیاید یکسری از مسجدها را هم خراب می‌کند. مسجدهایی که برای خدا ساخته نشده است، خراب می‌شوند. ولذا عده‌ای از مسجدی‌ها می‌گویند: این دیگر چیست و با امام درگیر می‌شوند. «أَيُّنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶) امام زمان علیه السلام تو به اولیاء عزت می‌دهی. ما صاحب داریم برای ما دعا می‌کند. هفته‌ای یکبار کارهای ما را می‌بیند. گاهی غصه می‌خورد. گاهی به او لذت می‌دهیم. بیایید ما یارانی باشیم که وقتی امام زمان علیه السلام به ما نگاه می‌کند لذت ببرد. روزی یک سلام به امام زمان علیه السلام بدهید. امام زمان علیه السلام نمازش را اول وقت می‌خواند و کسانی که نمازشان را اول وقت بخوانند به برکت آن نماز، نماز اینها هم قبول می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته